



## تشویق یا سرزنش؛ سخنی درباره نحوه برخورد با مردم

شویق، بهترین راه برای شکوفا کردن استعداد های افراد است و آن که خواهان اصلاح مردم است باید بیاموزد که چگونه آنان را بر شناخت توانایی های خود و کشف گنجینه بزرگی که خداوند در وجود آنها به ودیعه نهاده است تشویق کند.

خبرگزاری مهر-تشویق، بهترین راه برای شکوفا کردن استعداد های افراد است و آن که خواهان اصلاح مردم است باید بیاموزد که چگونه آنان را بر شناخت توانایی های خود و کشف گنجینه بزرگی که خداوند در وجود آنها به ودیعه نهاده است تشویق کند.

خوبی های دیگران را گفتن خود می تواند یکی از قواعد اصلاح مردم باشد و برای تحقق بخشیدن آن مؤثرترین، سودمندترین و نزدیک ترین راه می باشد، اما متأسفانه اکثر مردم درست برعکس رفتار می کنند؛ یعنی جنبه های منفی و خطاهای انسان خطاکار را به او یادآور می شوند و چنین می پندارند که این عمل موجب می شود وی جنبه های منفی خود را بزدايد و اشتباهاتش را صحیح کند.

تردیدی نیست که این روش، چه با مردم و چه با دوستان، اشتباه است و روش درست آن است که بر اساس اصل #171؛ از بین بردن بدی ها به خوبی ها و زدودن فساد به وسیله صلاح» خوبی ها را یادآور شویم و مردم را بر آنها تشویق کنیم، مثلاً برای از بین بردن تاریکی کافی نیست که آن را ناسزا گوئیم و نفرین کنیم، بلکه باید شمع را برافروزیم در این صورت تاریکی خود به خود از بین می رود. در ارتباط با جامعه و امور روانی و معنوی مردم نیز وظیفه داریم که به جای نفرین کردن تاریکی های درون آنان، شمعهای آرزو را در دلشان بر افروزیم. این کار علاوه بر اصلاح آنان برای خود ما نیز اجر و پاداش بزرگی نزد خداوند دارد.

امام علی (ع) می فرماید: #171؛ هرکس مسلمانی را ثنا گوید او را پاداش و بخششی باشد». منظور از ثنا، ستایش مثبت و یادکردن خوبی ها و تشویق بر آنهاست. این عمل دو نتیجه برای ستایشگر به همراه دارد: پاداش از سوی خداست که ثابت و قطعی است و بخشش از سوی مردم است که متغیر است. بنابراین اگر بخشش دنیوی تحقق نیابد تردیدی نیست که پاداش اخروی را از سوی خداوند دریافت خواهد کرد.

سرزنش و نکوهش کردن درباره بندگان سودمند نیست پس اگر می خواهیم با افراد آزاد و نه بنده و با بشر و نه مثنی ابزار رفتار کنیم باید تشویق کنیم نه نکوهش. اگر افرادی یافت شوند که روحیه بردگان را داشته باشند، نباید از یاد ببریم که 99 درصد مردم آزادند نه بنده.

بنابراین نسبت به 99 درصد مردم باید از روش تشویق و تعریف استفاده کرد و توانایی های نهفته در وجود آنان را به ایشان شناساند. باید به فرد گفت: در درون تو یکی از بزرگان تاریخ خفته است او را بیدار کن. در اندرون تو کسی آرمیده است که می تواند مسیر زندگی بشریت را تغییر دهد. پس نگذار بمیرد. بدین طریق با تشویق و ستایش و نه مذمت و نکوهش، انسان به پیش می رود و انرژی های درون او آزاد می شود.

انتقاد و خرده گیری از خطاکار روش نادرستی است و طرف را می ماند و در او حالت سرکشی و بی اعتنایی به وجود می آورد. بهترین روش تشویق خطاکار به اصلاح خود و انتقاد از خود خطاست آن هم به گونه ای که به حیثیت خطاکار لطمه ای نزنند و شخصیت او را جریحه دار نکنند.

تشویق مانند برافروختن شمع است که تاریکی را به طور طبیعی از بین می برد، اما انتقاد و خرده گیری به مثابه لعن و نفرین کردن آن است که اگر یک میلیون سال هم ادامه یابد چیزی را تغییر نمی دهد.

انسان ها با تشویق گنج های نهفته درونشان نمایان می شود و با این کار آنها را از نو می آفرینیم با مقایسه با آنچه باید باشیم ما هنوز نیمه زنده ایم. ما فقط از بخش کوچکی از قوای جسمی و دماغی خود استفاده می کنیم به عبارت دیگر قدرت آدمی فراتر و گسترده تر از آن است که اکنون وی زندگی خود را در آن محدود کرده است! انسان دارای قدرتها و توانایی های گوناگون است اما معمولاً از آنها استفاده نمی کند.

تقدیر و تشکر بزرگترین انگیزه برای پیشرفت و بزرگترین عامل برای حصول تکامل و ترقی است. پس ما باید صفات پاکیزه هر انسانی را که دیدار می کنیم بشناسیم. تملق و چاپلوسی را فراموش کنیم خالصانه و بی شائبه تحسین خود را به کار گیریم چه مردم و قدرشناسی و سخنان را در حافظه خود می سپارند و در طول سالیان دراز آنها را تکرار می کنند حتی در زمانی که تو آنها را به کلی

فراموش کرده‌ای. با تشویق کردن محبت میان افراد چند برابر می‌شود و در میدان عمل و فعالیت پیش می‌گیرند.

بله هرگاه انسان در ستایش و تشویق خود زیاده روی کند و ممدوح را بیش از آنچه سزاوار اوست بستاید این عمل از دیدگاه اهل بیت(ع) چاپلوسی و زشت است و چنانچه در ستایش او کوتاهی می‌ورزد و کمتر از آنچه در خور اوست وی را توصیف کند از نظر آنها به حق او ستم کرده است و این سخن امیر مؤمنان (ع) گویای همین مطلب است که فرموده است: ستایش بیش از استحقاق چاپلوسی و کمتر از آن ناتوانی یا حسد است.

در سخنی دیگر امام علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: نباید نیکوکار و بدکار در نظر تو یکسان باشند زیرا این کار نیکوکاران را به نیکویی بی رغبت کند و بدکرداران را به بدی راغب سازد و هریک از آنان را به سب آنچه برگزیده است پاداش و کیفر ده. (نهج البلاغه عهدنامه علی(ع) به مالک اشتر نامه).